

دیسکی گروپه در گفت و گو با تام لایچاس:

## «تاریخ جهان»

# همان موضوعی بود که من می خواستم

صادق علاماتی

### اشاره

این نوشتار برگرفته از سایت تاریخ جهان است. دیسکی گروپه دریافت کننده ی بورس مربیان ملی «سازمان خیریه ی میلکین» در سال ۱۹۹۶ است که در «دبیرستان دیوید اچ. هیگمن» در کلمبیا (میسوری) تدریس می کند. او علاوه بر تدریس تاریخ جهان در دوره ی متوسطه در هیگمن، روش های مطالعات اجتماعی را در دانشگاه میسوری درس می دهد. وی با همکار آموزشی خود، جیل تایلور وارنس، «مطالعه ی آفریقا: با رویکرد میان رشته ای تاریخ جهان» را برای موضوع «پیوند تاریخ جهان، نوامبر ۲۰۰۴»، به رشته ی تحریر درآورد. تام لایچاس، از بخش مطالعه ی تاریخ جهان، خبرگزاری اسوشیتد پرس، در ۶ ژوئن ۲۰۰۵ در لینکلن، استان نبراسکا، این مصاحبه را انجام داده است.

تام: شما چرا تدریس می کنید؟  
دیسکی: لیسانس من در رشته ی روزنامه نگاری است. چند سالی برای روابط عمومی پزشکی کار می کردم، ولی بعد با معلمی ازدواج کردم. به نظرم تدریس فایده های زیادی داشت و من و شوهرم می توانستیم، تابستان و تمام تعطیلات کریسمس را با هم باشیم. به یکباره به تدریس روی آوردم. مسلماً عاشق این شغل شده بودم.  
تام: تصور می کنم می خواهید وارد تحقیقات روزنامه نگاری

تام: شما چرا تدریس می کنید؟  
دیسکی: لیسانس من در رشته ی روزنامه نگاری است. چند سالی برای روابط عمومی پزشکی کار می کردم، ولی بعد با معلمی ازدواج کردم. به نظرم تدریس فایده های زیادی داشت و

شوید. نه؟

**دیسکی:** بله، اما بعد که با همسر آشنا شدم، تصمیم گرفتیم در کلمبیا بمانیم؛ هر چند که روزنامه‌نگاران زیادی در کلمبیا نبودند.

**تام:** آیا آموزش شما در روزنامه‌نگاری، باعث عملکرد آگاهانه‌تر شما در تدریس نشد؟

**دیسکی:** فکر می‌کنم تأثیر داشت؛ به‌ویژه که از اطلاعات روزنامه‌نگاری‌ام، در کلاس بجا و بموقع استفاده می‌کردم. هم‌چنین تاریخ باعث می‌شد از نوشتن دور نشوم.

**تام:** چه مدت تدریس کردید؟

**دیسکی:** ۲۱ سال.

**تام:** همیشه تاریخ جهان تدریس می‌کردید؟

**دیسکی:** حدود ۱۹ سال تاریخ جهان و چند سالی هم تاریخ آمریکا را درس دادم، اما تاریخ جهان همان موضوعی بود که می‌خواستم. نمی‌توانستم تصور کنم که موضوع بهتری بتواند جای‌گزین آن شود. من عاشق مطالعه و سفرم. یکی از چیزهایی که مرا به‌سوی روزنامه‌نگاری کشاند، این بود که می‌خواستم همه‌جور آدمی را ببینم،

و تاریخ جهان هم آن را به‌خوبی برایم ممکن می‌کرد. من به‌دنبال برنامه‌های تاریخ ملل شرق، حتی بورس توپوتا و یا هر امکان دیگری بودم که سفر مرا به مکان‌های جذابی که قبلاً ندیده بودم، فراهم می‌کرد.

**تام:** در مورد مکان‌های جذاب بگویید.

**دیسکی:** یک سفر مطالعاتی بورسیه‌ای به مصر

فکر می‌کنم تابستان سال ۲۰۰۰ بود. برنامه‌ای شش‌هفته‌ای در تابستان بود. حدود ۲۰ معلم از سراسر ایالات متحده آمده بودند که در نوع خود یکی از آن تجربیات خوش من بود. من به اماکن مذهبی خیلی علاقه‌مند هستم؛ این‌که چرا چنین اماکن خاصی در طول زمان برای مردم معنادار هستند. در واقع شیفته‌ی تاریخ ادیان هستم و جذابیت خاصی برای من دارد.

به‌عنوان معلم تاریخ، صرفاً دوست دارم اماکن گوناگون را ببینم. شما که بخشی از عمر خود را صرف مطالعه و تدریس تاریخ کرده‌اید و در مورد سفر بی‌تجربه نیستید، حتماً می‌دانید که هیچ سفری را نمی‌توان عیناً تکرار کرد. در هر سفر اتفاقات منحصر به فردی رخ می‌دهند.

**تام:** مثل چی؟

**دیسکی:** در یک سفر آموزشی با دانش‌آموزان در بیت‌المقدس بودیم. شبیه گردش‌های علمی کوتاه در ایالات متحده بود که بچه‌ها در یک منطقه‌ی دوست‌داشتنی قرار می‌گرفتند. **تام:** این تجربیات را با دانش‌آموزان سهیم هستید؟

**دیسکی:** همیشه وقتی در سفریم؛ در مورد اشتباهات فرهنگی صحبت می‌کنم، آن‌هم اشتباه فاحش گردشگر.

**تام:** در حال حاضر تاریخ جهان را چگونه آموزش می‌دهید؟

**دیسکی:** معمولاً با یک معلم انگلیسی، تاریخ جهان را گروهی تدریس می‌کنیم. روزی دو ساعت با بچه‌ها کار می‌کنیم. بنابراین، دانش‌آموزان درباره‌ی انگلیسی و تاریخ بسیار می‌آموزند. تدریس این کلاس به روش کمی نیست.

**تام:** آیا از همکاری و تشریک‌مساعی با هم لذت می‌برید؟

**دیسکی:** خیلی زیاد، همکار من معرکه است.

**تام:** چه نوع موضوعاتی را برای مطالعه به بچه‌ها می‌دهید؟

**دیسکی:** پویایی ما مستمر است. تا آخر سال دانش‌آموزان این کتاب‌ها را می‌خوانند: «گیل گامش»، «سان

دیانا»، «اودیسه»، «اتللو»، «فرانکشتاین»،

«همه چیز فرو می‌ریزد»، «رامایانا»،

«آتش فراموش‌شده»، آمریکاییان،

«خدای چیزهای کوچک» که

عاشقش هستم، و «زیبایان هنوز

به‌دنیا نیامده‌اند». هم‌چنین آن‌ها

«در جبهه‌ی غرب خبری نیست» و

«بادبادک‌باز» را می‌خوانند.

**تام:** سال گذشته این مطالعات به دانش‌آموزان شما چه

انگیزشی داد؟ می‌خواهم بدانم، ادبیات چگونه به تدریس تاریخ کمک می‌کند؟

**دیسکی:** ما بادبادک‌باز را خواندیم که در مورد وقایع افغانستان است. در این رمان، بحث جالب آن‌جاست که سنت‌های فرهنگی

و فلسفی با هم تماس پیدا می‌کنند و آن‌گاه هم سیاست با آن دو در هم می‌پیچد. دانش‌آموزان می‌دانند که سیاست می‌تواند در

مقیاس جهانی مطرح شود. رمان به دانش‌آموزان کمک می‌کند به خط‌مشی سیاسی بیندیشند که در زندگی فردی می‌تواند نقش

مؤثری داشته باشد. این کتاب درباره‌ی برآمدن و فروافتادن گروه **طالبان** است. پسری با خانواده‌اش زندگی می‌کند که

به‌ناگاه زندگی‌اش به دست قدرت‌های غیر قابل‌تصور زیوررو می‌شود. ما متوجه می‌شویم که او درصدد مخفی نگه‌داشتن

اسراری است و درمی‌یابیم آگاهی بیش از ارزش یک راز، برای

پنهان کردن آن متحمل صدمات می‌شویم. برای نوجوانان ۱۵ یا ۱۶ ساله، این موضوع کم‌اهمیتی نیست. راز چیست؟ چه‌گونه آن را حفظ کنیم؟ آیا باید آن را بازگو کرد؟ کتاب بر تمامی این سطوح کار کرده است.

**تام:** شما چگونه از کتاب‌هایی که آن‌ها مطالعه کرده‌اند، مباحث آموزشی را نتیجه می‌گیرید و مطرح می‌کنید؟

**دیکسی:** من و جیل، همکارم، همیشه برای هدایت بحث‌ها، سؤالاتی آماده می‌کنیم تا دانش‌آموزان در نشریه‌ای پاسخ دهند. ما به جای نمره دادن به آنان، پاسخ‌هایشان را دقیقاً می‌خوانیم تا مطمئن شویم که بچه‌ها کارهایشان را انجام داده‌اند. هم‌چنین، سمینارهای سقراطی (پرسش و پاسخ) ترتیب می‌دهیم. کسی نمی‌تواند در بحث‌ها شرکت کند، مگر آن‌که مطالعه داشته باشد. من می‌کوشم تدریس را روی مطالعات فکری و فلسفی متمرکز کنم. به نظر من، مطالعه‌ی سنت‌های فلسفی به دانش‌آموزان کمک می‌کند، زندگی کاملی داشته باشند. من تلاش می‌کنم بچه‌ها را قانع کنم که بخوانند و بنویسند. آنان می‌توانند به هر بخشی از اطلاعات که می‌خواهند، دست یابند، ولی ناچارند در داوری و سازمان‌دهی اطلاعات مهارت یابند. فکر

نمی‌کنم کسی بتواند این کار را بدون داشتن زمینه در مورد محتوا و تفکر در مورد آن انجام دهند.

**تام:** چه کسی بیشترین تأثیر را بر روش تدریس شما گذاشته است؟

**دیکسی:** جیل، که همکار آموزشی

بزرگواری است. معلمان خوب همیشه در مورد آنچه انجام می‌دهند، عمیقاً فکر می‌کنند. «مشارکت» روش والایی است. یک جفت چشم اضافی اهمیت دارد؛ کسی که آنچه را شما هنگام کار انجام می‌دهید، ببیند.

**تام:** دشوارترین کار در مورد آموزش تاریخ جهان چیست؟  
**دیکسی:** قصد ما آن است که دانش‌آموزان آنچه را برایشان اساسی است، بدانند. شما به تصویر بزرگی زل می‌زنید که در پایان سال، می‌خواهید دانش‌آموزان باشند. می‌کوشید به دانش‌آموزان نشان دهید، مفاهیم و معانی چگونه باهم پیوند می‌یابند. می‌دانیم که درونمایه‌های متعالی هستند که تجربه‌های بشری ما را بسط می‌دهند. بنابراین، ما سعی داریم نمونه‌های خاصی را دریابیم که به کمک آن‌ها بتوان مفاهیم اصولی را به‌خوبی آموزش داد.

**تام:** چگونه فرایند چنین آموزشی را طرح‌ریزی می‌کنید؟ و چگونه به تعیین درونمایه‌ها و نمونه‌های مورد نظران

می‌پردازید؟

**دیکسی:** گاهی در ماه آگوست گردهمایی داریم و بخشی را فهرست‌وار مطرح می‌کنیم. جیل علاقه دارد قدری از لحاظ تاریخ‌شماری و قدری از لحاظ درونمایه به هر موضوع پرداخته شود. از کتاب‌های معتبر بهره می‌گیریم و از آن‌ها تصاویری را استخراج می‌کنیم که بر خواسته‌های ما متمرکز هستند و در ادبیات برای کمک به فهم هرچه بهتر بچه‌ها مفید محسوب می‌شوند. در طول سال، هر یکشنبه بعدازظهر با دوستان جلسه‌ای تشکیل می‌دهیم تا جزئیات برنامه‌ریزی طول هفته را معین کنیم.

**تام:** وقتی دانش‌آموزان به کلاس شما می‌آیند، چه پیش‌زمینه‌ای در مورد درس دارند؟

**دیکسی:** آن‌ها کلاس دهم هستند و این اولین کلاس تاریخ جهان آن‌هاست. آنان در کلاس‌های ششم و هفتم درس فرهنگ‌های جهان را داشته‌اند که بر فرهنگ متمرکز است، نه تاریخ.

**تام:** چگونه بچه‌ها شرایط لازم را برای کلاس شما پیدا می‌کنند؟

**دیکسی:** ثبت‌نام آزاد است و هیچ منعی وجود ندارد. من

باید آدم روشن و صاحب‌نظری باشم. کلمبیای میسوری شهرکی دانشگاهی است.

بسیاری از والدین استادند و بسیاری از بچه‌های آنان مهاجر.

حتی سال گذشته چند تن از دانش‌آموزان زرتشتی بودند. ما

همزمان در یک برنامه‌ی حمایتی که توسط «انجمن دستاوردهای

اقلیت» برگزار می‌شود، شرکت می‌کنیم. در این برنامه دانش‌آموزان اقلیت حضور دارند. بخشی از کار من کمک به آن‌هاست. بسیاری از آن‌ها که به‌طور مداوم در جریان آموزش‌های آکادمیک و علمی نبوده‌اند، این کلاس‌ها را به پایان می‌برند. این برای من به‌عنوان یک معلم، جالب است.

**تام:** سؤال دیگری هست که باید بپرسم؟

**دیکسی:** سؤال نکردید که چگونه این مدرسه به چنین برنامه‌ی توانمندی رسیده است. یک دلیلش این است که ما کوشیده‌ایم، به جمعی بسیار نامتجانس آموزش دهیم. و ما یاوران اداری و اجرایی توانایی داریم. از جمله، آن‌گاه که به کتاب‌های جدید نیاز داریم، به‌سهولت در اختیارمان قرار می‌گیرند. آن زمان که درخواست کلاس بزرگ‌تری می‌کنیم تا بچه‌ها بتوانند در گروه‌های خود به‌راحتی جابه‌جا شوند، به سرعت فراهم می‌شود. مدرسه شدیداً حامی کارهای ماست.

**دیکسی:** معمولاً با یک معلم انگلیسی، تاریخ جهان را گروهی تدریس می‌کنیم. روزی دو ساعت با بچه‌ها کار می‌کنیم. بنابراین، دانش‌آموزان درباره‌ی انگلیسی و تاریخ بسیار می‌آموزند